



تصاویر ماهواره‌ای و خبرهای منتشرشده در رسانه‌ها حاکی از خروج سامانه‌های پیشرفته پدافند هوایی «تاد» و «پاتریوت» از عربستان سعودی توسط آمریکا است

وحشت آل سعود از خروج پاتریوت‌ها



شهیل سیدجمالی

روزنامه‌نگار

آمریکا درحال کاهش شدید نیروهایش در غرب آسیاست؛ چه متحدانش موافق باشند و چه مخالف، این تصمیم واشنگتن است. این موضوع را بیش از هرچیز می‌توان از خارج کردن تجهیزات پیشرفته و حیاتی آمریکا از منطقه درک کرد. در همین راستا خبرگزاری آمریکایی «آسوشیتدپرس» روز شنبه ۲۰ شهریور اعلام کرد تصاویر ماهواره‌ای از پایگاه‌های آمریکاد در عربستان حاکی از خروج کامل برخی از سامانه‌های پدافند هوایی پیشرفته مانند تاد و پاتریوت از این پایگاه‌ها است.

روزنامه آمریکایی «وال استریت ژورنال» نیز در همین رابطه با انتشار گزارشی تأکید کرده است که نگرانی واشنگتن درقبال حملات موشکی و پهنپادی نیروهای یمنی به سازه‌ها و اهداف نظامی در عمق خاک عربستان سعودی درحال افزایش است، از این رو واشنگتن قصد دارد برای در امان ماندن نیروهایش آنها را از عربستان و عملا از جنگ یمن خارج کند.

این نشریه آمریکایی در ادامه افزود: «آمریکا درحال حاضر سه سامانه دفاعی آشپار ضدهوایی «پاتریوت» خود را از منطقه خلیج فارس ازجمله پایگاه هوایی «شاهزاده سلطان» از عربستان خارج ساخته است، این سامانه به‌منظور محافظت از نیروهای آمریکایی در این بخش از عربستان مستقر شده بود. خروج این سامانه از عربستان این نگرانی را در میان مقامات سعودی ایجاد کرده که احتمال دارد اقدام بعدی خروج سربازان آمریکایی از این کشور باشد.»

به همین دلیل، ترکی، رئیس سابق دستگاه اطلاعات عربستان اخیرا در مصاحبه با بسی ان اعلام کرده است برای اطمینان ریاض بابت عزم واشنگتن در عمل به تعهداتش درقبال این کشور، همچنان سامانه‌های پاتریوت را در خاک عربستان حفظ کند.

باوجود این درخواست اما اخبار منتشرشده نشان می‌دهد آمریکا به‌جز سامانه‌های پدافند هوایی تسلیحات دیگری را نیز از منطقه خارج ساخته است. وال استریت ژورنال می‌گوید دیگر قوای نظامی که از چرخه محافظت از عربستان خارج می‌شوند، یک ناو هواپیمابر و یک سامانه نظارت و مراقبتی است که آمریکا آنها را برای استفاده در نقاط دیگر جهان، از منطقه خارج ساخته است. این نشریه آمریکایی اضافه کرده: «به‌گفته برخی مقامات آمریکایی کاهش‌های بیشتر قوای نظامی آمریکایی از عربستان همچنان مدنظر و درحال بررسی است.»

بنابر گزارش‌ها و آمارهای موجود، حدود ۲۰ هزار نظامی آمریکایی در رده‌های مختلف در عربستان حضور دارند که براساس راهبرد جدید جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا، این نیروها باید از این کشور خارج شوند.

درحالی رسانه‌های آمریکایی مانند آسوشیتدپرس و

وال استریت‌ژورنال از خروج

نیروهای نظامی آمریکا

از منطقه خاورمیانه و

به‌خصوص عربستان سعودی

خبر می‌دهند که در دوم

فروردین‌ماه ۱۴۰۰، خبرگزاری

«بلومبرگ» گزارش داده بود:

«ریاض از دولت بایدن برای

دفاع از میادین نفتی و خنثی

کردن حملات «حوثی‌های

یمنی به‌این مراکز درخواست

کمک کرده است.»

در گزارش بلومبرگ آمده بود:

«عربستان سعودی با تأکید

بر نگرانی درمورد حملات

آخر موشکی و پهنپادی از

سمت حوثی‌ها، برای دفاع از

تأسیسات نفتی خود به‌دنبال

دریافت کمک بیشتر از

ایالات‌متحده است.»

در بین تحولات روزهای اخیر امیکای از نقاط جالب لغوسفر «لوید آستین» وزیر دفاع آمریکا به عربستان است که قرار بود در روز ۱۸ شهریور انجام شود. آستین در برنامه‌ای رسمی چندروز پیش سفر دوره‌ای خود به به کشورهای حوزه خلیج‌فارس را آغاز کرده بود، ولی وی به‌رغم سفر به «منامه»، «کویت» و «دوحه» از سفر به «ریاض» امتناع کرد.

این اقدام وزیر دفاع ایالات‌متحده آمریکا را می‌توان به‌دلیل روبرو نشدن با مقامات ریاض برای پاسخگویی درخصوص خروج نیروهای آمریکایی و سامانه‌های پدافند هوایی از عربستان سعودی درنظر گرفت. گرچه برخی منابع از درون خاندان سلطنتی سعودی مدعی هستند این عربستان بوده که سفر وزیر دفاع آمریکا به ریاض را لغو کرده است.

جان کری، سخنگوی پنتاگون نیز که در گفت‌وگو با آسوشیتدپرس و در پاسخ به خبرنگار، خروج سامانه پدافند هوایی آمریکا از عربستان را تایید کرده است، می‌گوید ایالات‌متحده تعهد گسترده و عمیقی به متحدان سنتی خود در منطقه خاورمیانه دارد. سخنگوی وزارت دفاع آمریکا همچنین تأکید دارد جای هیچ‌گونه نگرانی برای متحدان واشنگتن در منطقه وجود ندارد.

کریی در این رابطه اعلام کرده است: «وزارت دفاع آمریکا همچنان در حمایت از منافع ایالات‌متحده آمریکا و مشارکت در فعالیت‌های منطقه‌ای خود، به حفظ ده‌ها هزار نیرو و موقعیت نیرومند در خاورمیانه می‌پردازد که نمایانگر بسیاری از پیشرفته‌ترین نیروهای هوایی و دریایی ما هستند.» اما خروج نظامیان آمریکایی و سامانه‌های پیشرفته نظامی آنها از خاک کشور عربستان سعودی و حتی شاید باقی کشورهای عربی منطقه، حاکی از این موضوع است که آمریکایی‌ها بعد از صرف زمانی طولانی نزدیک به سه دهه در این منطقه، هزینه کردن تریلیون‌ها دلار پول، کشته شدن هزاران نیروی نظامی آمریکایی، تخریب چهره جهانی و منفرود شدن از دیدگاه شهروندان داخلی آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که حضور مستقیم در خاورمیانه چیزی جز ضرر برای آنها ندارد. صرف هزاران میلیارد دلار در عراق و افغانستان ضربه بزرگی به اقتصاد آنها زده است.

هزینه‌های آمریکا در خاورمیانه از دهه ۹۰ میلادی

از سال ۱۹۹۰ در بین تمام کشورهای غرب آسیا، ایالات‌متحده آمریکا بیشترین تعداد نیروهای نظامی را در کشور عربستان داشته است. در این کشور امکانات نظامی مختلفی متعلق به کشورهای آمریکا در مناطق «دمام»، «هفوف»، «خبر»، «تبوک»، «بنیع»، «پایگاه «ملک عبدالعزیز» در ظهران، پایگاه دریایی «ملک فهد» در جده، پایگاه هوایی «ملک خالد» در ابها، پایگاه نظامی ریاض و پایگاه نظامی «الطائف» مستقر هستند. پایگاه هوایی «الأمیر سلطان» در جنوب ریاض، مهم‌ترین پایگاه نیروهای نظامی آمریکا در عربستان است که در آن بیش از ۵ هزار نظامی آمریکایی حضور دارند.

درحالی‌که آمریکا در سده‌هه گذشته حمایت‌های گسترده و بی شماری ازجمله حمایت نظامی از سران کشورهای عربی منطقه به‌ویژه عربستان انجام داده است، عبدالخالق عبدالله، مشاور سابق ولیعهد ابوظبی چند روز پیش تأکید کرد واشنگتن دیگر حاضر نیست به نیابت از

کشورهای عربی وارد جنگ شود، از همین‌رو آمریکا دیگر قصد ندارد از کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس حمایت کند. اقدامات نظامی آمریکا در چهار دهه گذشته در منطقه خاورمیانه به‌ویژه در کشورهای افغانستان، لبنان، سوریه، عراق و یمن نتیجه‌ای جز کشتار مسلمانان و ویرانی این کشورها نداشته که همگی در راستای تأمین امنیت رژیم صهیونیستی و بهره‌مندی از منابع طبیعی این کشورها بوده است.

جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا در دوران تبلیغات انتخاباتی خود اعلام کرده بود قصد خروج نیروهای آمریکایی از منطقه غرب آسیا را دارد که با خروج نظامیان آمریکایی از افغانستان پس از ۲۰ سال جنگ و صرف بیش از چهار تریلیون دلار، قسمتی از این مساله انجام شد، ولی هنوز بخش اعظمی از این نیروها از منطقه خارج نشده‌اند.

اما مساله مهم در این بین خروج سراسیمه و احتمالی نیروهای آمریکایی از عربستان است؛ اقدامی که شباهت‌هایی با خروج ناگهانی آمریکا از افغانستان دارد. چنین خروجی درصورت انجام، شوک سنگینی به خاندان آل سعود وارد خواهد کرد. در وضعیت فعلی خروج آمریکا از منطقه تکمیل نشده است، اما پیش از وقوع چنین رخدادی مقامات سعودی وحشت‌زده

شده‌اند؛ چراکه مقامات ریاض به پشتوانه آمریکا اقداماتی مانند تجاوز به یمن را اجرایی کرده‌اند. مطمئنا خروج نیروهای نظامی آمریکایی از منطقه که بایدن هم به بی‌شمر بودن حضور این نیروها در منطقه تأکید کرده، به نفع مردم و دولت آمریکا و هم به نفع کشورهای منطقه خواهد بود. با چنین تصمیمی آمریکانه سرمایه‌مادی‌اش را نابود می‌کند و نه نظامیان‌ش کشته می‌شوند. در عین حال مردم این منطقه نیز توسط آمریکایی‌ها کشته‌نشده و ویرانی کشورهای خاورمیانه متوقف خواهد شد.

تغییر نقشه ژئوپلیتیک جهان

تصمیم جدید آمریکایی‌ها برای خروج از عربستان سعودی به این معنی نخواهد بود که این نیروها و تجهیزات پیشرفته نظامی قرار است به خانه بازگردند. دنیای امروز با سال‌های گذشته بسیار تفاوت دارد. امروز کشوری به نام چین به یک قدرت مهم و اثرگذار در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است. ایالات‌متحده به‌خوبی این موضوع را درک کرده است که با حضور نظامی در منطقه خاورمیانه و صرف هزینه‌های انسانی و مالی، نه تنها برای خود دردرس‌های عظیم اقتصادی و معنوی آفریده، بلکه در جاده رقابت‌های جهانی، چین با استفاده از گرفتاری‌های آمریکا در جنگ‌های بی‌پایان با سرعت درحال نزدیک شدن به آنها است. آمریکایی‌ها از دوران باراک اوباما به این موضوع واقف شده بودند که حضور بیش از حد در خاورمیانه هیچ سودی برای آنها نداشته و هرچقدر زمان می‌گذرد، فقط باتلاق برای آنها وسیع‌تر و عمیق‌تر می‌شود. تلاش برای اجرای این سیاست را در دوران باراک اوباما، دونالد ترامپ و امروز در تصمیمات جو بایدن به‌خوبی می‌توان مکاشفه کرد.

شرق آسیا با حضور کشورهایی مانند چین، ژاپن، کره جنوبی، تایوان، فیلیپین، ویتنام، اندونزی و مالزی به یک منطقه قدرتمند اقتصادی از نظر صنعتی، تکنولوژی و نفعی گردشگری تبدیل شده است. اگر کشوری می‌خواهد در آینده حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشد، مسلما باید نگاه ویژه‌ای به شرق آسیا داشته باشد. سرمایه‌گذاری در این منطقه با توجه به جمعیت کشورهای ذکرشده، یک فرصت تجاری بزرگ محسوب می‌شود. عمده تولیدات فناوری‌های پیشرفته جهان اراقبیل تراشه‌های کامپیوتری و مخابراتی، نرم‌افزارهای تجاری و صنعتی، پوشاک، لوازم خانگی و حتی اتومبیل‌سازی در این منطقه درحال انجام است و با گذشت زمان بر میزان این پیشرفت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها افزوده می‌شود.

آمریکابه‌عنوان اولین اقتصاد جهان طبیعتا نمی‌تواند شرق آسیا را با چنین پتانسیلی نادیده بگیرد. به‌علاوه منطقه دریای چین و سواحل اقیانوس آرام غربی به‌عنوان یک قطب مهم در کشمکش‌های استراتژیک و ژئوپلیتیک می‌تواند نقش آفرینی کند.

برای مثال کشور تایوان به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده صنایع «نیمه‌رسانا» در جهان، یک مهره کلیدی و ارزشمند برای صنایع آمریکا محسوب می‌شود. حال آنکه دولت چین دهه‌هاست که این جزیره کوچک‌اما پراهمیت را از آن خود می‌داند و سعی بر آن دارد تا تایوان را مانند هنگ کنگ به یک واحد در زیرمجموعه چین بزرگ مبدل سازد.

در سوی دیگر ژاپن و کره جنوبی به‌عنوان بزرگ‌ترین متحدان آمریکا در منطقه شرق آسیا از رشد برق‌آسای چین در هراس هستند و غرب به‌خوبی می‌داند برای حفظ این کشورها در حلقه متحدان و شرکای خود باید توجه بیشتری به آنها داشته باشد.

همچنین چین درحال ساخت جزایر مصنوعی در دریای چین و آب‌های اقیانوس آرام است. این موضوع به یک دغدغه امنیتی و نظامی برای غرب و متحدان او تبدیل شده است.

با توجه به چنین مسائل مهمی، حضور پررنگ آمریکا در منطقه خاورمیانه و هزینه کردن برای کشورهای عربی حاشیه



خلیج فارس کاملا غیرمنطقی و غیرعقلانی خواهد بود. اهمیت و رشد چین و حضور دیگر بازیگران پیشرفته در شرق آسیا، احساس نیاز برای ایفای نقش پررنگ‌تری از سمت آمریکا را قابل پیش‌بینی می‌کند. خروج نیروهای آمریکایی از غرب آسیا را می‌توان در راستای همین موضوع ارزیابی کرد.

ماجراجویی‌های اعراب و رژیم‌صهیونیستی در منطقه

کشور عربستان سعودی به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور در جهان عرب خواهان تبدیل شدن به بزرگ‌ترین قدرت منطقه‌ای و حتی در جهان اسلام است. سعودی‌ها بسیار تمایل دارند که نقش ژاندارم منطقه‌ای را ایفا کنند. اما این کشور از نظر پتانسیل نیروی متخصص انسانی و از منظر جمعیت به‌هیچ‌عنوان چنین ظرفیتی برای تبدیل شدن به ژاندارم منطقه را نداشته و ندارد. سعودی‌ها با صرف صدها میلیارد دلار برای خرید اسلحه از کشورهای ابرقدرت غربی و شرقی جهان همچنان توانایی تأمین امنیت برای خود را ندارند. این کشور در سال‌های اخیر در موضوع جنگ یمن نشان داد که از نظر دانش نظامی و شعور سیاسی در پایین‌ترین سطح ممکن قرار دارد.

اگر عربستان سعودی را با کشوری مانند ایران مقایسه کنیم به‌خوبی این موضوع را درک خواهیم کرد. ایرانی‌ها سال‌ها تحت سنگین‌ترین تحریم‌های اقتصادی قرار دارند اما تهران با

توسل به دانش جوانان داخلی

توانسته است بسیاری از

نیازمندی‌های دفاعی و نظامی

خود را بومی‌سازی کند. اما

سعودی‌ها تنها به خرید

تسلیحات با توسل به پول نفت

اکتفا کرده‌اند. نکته مهم این

است که سعودی‌ها توانایی

استفاده از بیشتر این تسلیحات

را نیز ندارند و ضروری است که

متخصصان و اپراتورهای غربی

برای راه‌اندازی و پشتیبانی

از این تکنولوژی‌ها در محل

حضور داشته باشند. با تمام

این تفاسیر عربستان سعودی

مخصوصا بعد از به قدرت

رسیدن «محمد بن سلمان»

سیاست‌های بلند پروازانه

اما دور از واقعیت خود را

سرعت بخشید. یکی از دلایل

اساسی اعتمادبه‌نفس سعودی‌ها در پیگیری چنین تفکرات و سیاست‌های بلندپروازانه‌ای بی‌شک حضور نیروهای آمریکایی و تجهیزات پیشرفته آنها در منطقه بوده است؛ حضوری اطمینان‌بخش که باعث ماجراجویی متحدان واشنگتن بوده است.

در دوران دونالد ترامپ ما شاهد این موضوع بودیم که رئیس جمهور امریکا مکرر تأکید می‌کرد که «اگر اعراب امنیت می‌خواهند باید هزینه بیشتری پرداخت کنند.» حال با روی کار آمدن جو بایدن و نیاز اقتصاد آمریکا به اقدامات ترمیمی و پررنگ‌تر شدن اهمیت شرق آسیا، واشنگتن دیگر تمایلی ندارد برای خیالی‌افی‌ها و ماجراجویی‌های سعودی‌ها بیش از این از جان شهروندان آمریکایی و خزانه دولت‌فدرال تاوان بپردازد. این موضوع برای رژیم‌صهیونیستی نیز صادق است. تل آویو دهه‌هاست که از دولت‌های مختلف در کاخ

سفید وام‌ها و کمک‌های مالی و نظامی بلاعوض گرفته است. بااین‌حال همانند سعودی‌ها به‌دلیل حضور نظامی آمریکا در منطقه جسورانه به برخی پرونده‌های سخت ورود کرده است. گرچه رژیم‌صهیونیستی از بدو پیدایش، چندین جنگ راپشت‌سر گذاشته است اما پیروزی‌های خیره‌کننده تل آویو

در این جنگ‌ها نشان می‌دهد با دشمن چندان قدری روبه‌رو نبوده است. شکست ۴ کشور عربی در جنگ ۶ روزه سال ۱۹۶۷ و سه‌برابر شدن وسعت سرزمین‌های تحت کنترل صهیونیست‌ها شاهدهی بر این مدعاست. اقدامات جسورانه فعلی صهیونیست‌ها اما در فضایی مشابه با گذشته صورت نمی‌گیرد زیرا دشمن تل آویو در زمانه فعلی بیش از اندازه قدرتمند است و اساسا رژیم‌صهیونیستی از درگیری با متحدان آن نیز درمانده شده است. جنگ ۱۱ روزه غزه می‌سال جاری که در آن طی مدت کمتر از دو هفته، بیش از ۳ هزار راکت به سرزمین‌های اشغالی اصابت کرد، نمونه‌ای از چنین تقابل‌هایی است. چه آنکه غزه ضعیف‌ترین عضو از محور مقاومت به رهبری ایران است. از همین رو واشنگتن اقدامات رژیم‌صهیونیستی در وضعیت کنونی را بیش از اندازه غیرمسئولانه می‌داند، زیرا این اقدامات خطر بروز یک جنگ منطقه‌ای بزرگ در درون خود دارد. جنگی که در نمونه بسیار کوچک و به طعنه آزمایشگاهی آن، تل آویو بارها شکست‌خورده از آن خارج شده است.

فشار افکار عمومی در داخل

بعد از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامر و لشکرکشی آمریکا به افغانستان و عراق، دیری نپایید که افکار عمومی در داخل آمریکا به مخالفت با این اشغال‌گری‌ها و جنگ‌ها به پا خاست. در سال ۲۰۰۴ میلادی جورج دبلیو‌بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا به‌سختی و با رای اکثرال پایین و شکستنده‌ای موفق شد بر رقیب دموکرات خود جان کری غلبه کند. دلیل این اقت محبوبیت رئیس‌جمهور حوادث جاری در عراق و افغانستان بود. مردم آمریکا از کشته شدن هر روز فرزندان و خانواده‌هایشان به‌عنوان نظامی در جنگ‌های خاورمیانه خسته شده بودند و صبر آنها درحال لبریز شدن بود. این حسن نفرت از حضور نظامی در غرب آسیا اقتدر زیاد شد که باراک اوباما ۵ دوره توانست با شعارهای مخالفت با حضور نظامی در نقاط دیگر جهان به قدرت برسد. حتی بعد از اوباما، پدیده‌ای به اسم دونالد ترامپ با مخالفت‌های صریح‌تر با حضور نظامی آمریکا در افغانستان، عراق و کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس توانست بر هیلاری کلینتون پیروز و وارد کاخ سفید شود.

این حجم از نفرت مردم آمریکا از حضور نظامی در غرب آسیا یک سوال در ذهن ایجاد می‌کند. این سوال از مقایسه بین حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا با دیگر نقاط جهان پدیدی می‌آید؛ و آن اینکه «چگونه شهروندان آمریکایی نسبت به حضور نظامی در ژاپن، کره جنوبی و مناطق گسترده‌ای از اقیانوس آرام و اروپا متنفر نیستند اما موضوع حضور در خاورمیانه و منطقه غرب آسیا یک موج منفی متفاوت برای شهروندان آمریکایی تداعی می‌کند؟»

دلیل آن است که کیفیت زندگی سربازان و افسران آمریکایی در کشورهای اروپایی و شرق آسیا با منطقه خاورمیانه و کشورهایمانند افغانستان،

عراق و عربستان سعودی بسیار

متفاوت است. در ۷۰ سال

پس از پایان جنگ کره، هیچ

سرباز آمریکایی در کره جنوبی

با زاین کشته نشده است. بعد

از سقوط دیوار برلین و پایان

جنگ سرد، سربازان آمریکایی

کیفیت زندگی در سطح و

اندازه استانداردهای بالای

جهانی را در اروپای مرکزی

تجربه کرده‌اند. اما برای مثال

در افغانستان و عراق هر روز

تعدادی نظامی آمریکایی

کشته یا اثر انفجار مین‌های

کنار جاده‌ای نقص عضو

شدند. در خاورمیانه نظامیان

غربی باید هر روز منتظر یک

حمله انتحاری به پایگاه‌ها

و خودروهای گشت زنی

خود باشند. تفاوت‌های بنیادین بین رفاه زندگی برای تفنگداران آمریکایی در نقاط مختلف جهان نسبت به غرب

آسیا به‌وضوح قابل مشاهده است. همین تلفات جانی بالا در این منطقه و خدشه‌دار شدن احساسات و افکار عمومی در آمریکا، سیاستمداران این کشور را اادار کرده است تا

حق‌القب کسب رای در رویدادهای سیاسی در داخل و حفظ مشروعیت در بین اذهان مردم آمریکا دست به کاهش نیرو و تخلیه نظامی از این منطقه بزنند.

خروج نظامی آمریکا از منطقه غرب آسیا لزوما به معنی پایان تنش و التهاب در این منطقه نخواهد بود. آمریکایی‌ها برای جلوگیری از پیشرفت کشورهایی مستقل مانند ایران و حفظ دشمنی بین دولت‌های خاورمیانه‌ای مطمئنا تدابیری را اندیشیده‌اند. در ه‌ر صورت اتحاد بین کشورهای مسلمان خاورمیانه با توجه به جایگاه خاص جغرافیایی این منطقه و منابع عظیم انرژی، می‌تواند برای رژیم‌صهیونیستی و منافع آمریکا خطر‌ساز باشد؛ مساله‌ای که واشنگتن و دیگر کشورهای غربی نمی‌توانند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند اما در هرحال به‌دلیل ناتوانی فعلی خود در استفاده از ابزارهای موجود احتمالا طرح‌های جدیدی را به میدان خواهند آورد.